

The Image of Governance in the Fifth and Sixth Centuries AH with Reliance on Kelileh and Demneh

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Mahdi Fathi ¹,
Seyed Ahmad Hosseini Kazeruni^{2*},
Seyed Jafar Hamidi ³

How to cite this article

Mahdi Fathi, Seyed Ahmad Hosseini Kazeruni, Seyed Jafar Hamidi, The Image of Governance in the Fifth and Sixth Centuries AH with Reliance on Kelileh and Demneh, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:3(5): 254-265.

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
2. Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran (Corresponding Author).
3. Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: Sakhazerooni@yahoo.com

Article History

Received: 2019/11/25

Accepted: 2020/03/02

Published: 2020/03/16

ABSTRACT

Persian literature, in addition to having a common theme with world literature, its socio-political theme and interdisciplinary nature, has made it superior to the literature of other nations. This study examines the image of governance in a historical period by looking at one of the great works of Persian literature called Kelilehudmaneh. This research, which is one of the interdisciplinary studies, intends to first prepare the subject by studying the main sources and other related sources and taking notes from them and examining scientific perspectives, and after collecting data and materials and analyzing them to this Answer the question: Have sciences such as governance in Iran had a coherent history? It also seeks to provide a model for governance based on Iranian-Islamic ethics, experience, and knowledge for the present arena, as well as to show that Persian literature is not merely literary texts but a vehicle for the transmission of other sciences (and has an interdisciplinary nature). Because this research is descriptive-analytical, it lacks quantitative variables and it is not possible to record the differences in the values of the variables based on numbers and figures or to determine the origin and end for them, so it lacks a sample size and no need for sampling. Due to the size of this community, the valuable work of Kelileh and Demneh will be studied as the main source.

Keywords: Kelileh and Demneh, governance, Iranian models, politics, 5th and 6th centuries AH.

سیمای حکومت داری در سده‌های پنجم و ششم هجری با تکیه بر کلیله و دمنه

مهدی فتحی^۱

دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

سید احمد حسینی کازرونی^{۲*}

استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول).

سیدجعفر حمیدی^۳

استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

چکیده

ادبیات فارسی، افزون بر آنکه درونمایه مشترک با ادبیات جهان دارد، درونمایه سیاسی-اجتماعی و ماهیت میان‌رشته‌ای‌اش، آن را بر ادبیات سایر ملل برتری داده است. این پژوهش با نگاهی به یکی از آثار فاخر ادبیات فارسی به نام کلیله و دمنه سیمای حکومتداری در یک دوره تاریخی را بررسی می‌نماید. این پژوهش که جزو مطالعات میان رشته‌ای است بر آن است ابتدا با مطالعه منابع اصلی و سایر منابع مرتبط و فیش‌برداری از آنها و بررسی دیدگاه‌های علمی، مقدمات موضوع را فراهم آورد و پس از جمع‌آوری داده‌ها و مطالب و با تجزیه و تحلیل آنها به این سوال پاسخ دهد که آیا علومی نظیر حکومتداری در ایران سابقه منسجم داشته‌اند؟ همچنین به دنبال آن است که الگویی برای حکومتداری مبتنی بر اخلاق و تجربه و دانش ایرانی-اسلامی برای عرصه حاضر ارائه نماید و نیز نشان دهد که ادبیات فارسی صرفاً متون ادبی نیست و محملی برای انتقال علوم دیگر (و دارای ماهیت میان‌رشته‌ای) است. چون این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است فاقد متغیرهای کمی است و نمی‌توان اختلاف مقادیر متغیرها را بر اساس اعداد و ارقام ثبت نمود یا برای آنها مبدأ و پایان مشخص نمود، لذا فاقد حجم نمونه و بی‌نیاز از نمونه‌گیری است. به دلیل وسعت این جامعه، اثر ارزشمند کلیله و دمنه به عنوان منبع اصلی مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت.

کلمات کلیدی: کلیله و دمنه، حکومتداری، الگوهای ایرانی، سیاست، قرن ۵ و ۶ هجری.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

*نویسنده مسئول: Sahkazeroni@yahoo.com

مقدمه

«تجربه» خمیرمایه اصلی حکمرانی است؛ «هیچ امری در عالم حادث نشده که بارها واقع نگشته باشد چون خواننده و دانسته یا شنیده بود که خاتمه فلان کار به کجا خواهد رسید، هر آینه چون کاری مثل آن پیش آید، بداند که عاقبت آن چگونه خواهد بود.» (۱) همچنین منابع تاریخی که تجارب بزرگان و حکومت‌های مختلف را ثبت کرده‌اند می‌تواند هم تصویری از حکمرانی خوب ارائه دهد هم الگویی مناسب برای حاکمان باشد.

حکومتداری اگرچه از جمله مفاهیمی است که به شکل امروزی و کلاسه شده در متون تاریخی دیده نمی‌شود اما زندگی جامعه ایرانی، هیچگاه از آن جدا نبوده و در تاریخ و ادبیات ایران به وفور می‌توان آثاری دید که هم محتوی تجارب حاکمان یا سیاستمداران ایرانی است هم حاوی متون سیاسی و حکومتی. در مورد حکومتداری. «حکومتداری اگرچه مبین نوع و روش و اقدامات حاکم و نهادهای تحت امر او برای اداره جامعه است اما با پیچیده شدن جوامع، به عنوان یک «دانش» درآمد که براساس آن جامعه اداره می‌شود. و خوب یا بد یا مناسب و نامناسب بودن آن، باعث شکست یا پیروزی جامعه می‌شود. حکومتداری که اصطلاحاً به اداره مجموعه نهادها و سازمانهای زیرمجموعه حکومت یا دولت گفته می‌شود با حکمرانی اگرچه همپوشانی دارد؛ اما متفاوت است؛ در حقیقت حکومتداری یک فرآیند و حکمرانی یک شیوه است؛ با این توضیح باید گفت سیمای حکومتداری مبین فرآیندها و بروندهای اقدامات نظام حاکم است.» (۲) اگرچه حکومتها امروزه به لحاظ شکل یا ماهیت، واجد تقسیم‌بندی گوناگون شده‌اند اما در دوره مورد بررسی اغلب حکومت‌های جاری سلطنتی (پادشاهی) بوده که گاه فقط تفاوت‌هایی در جزئیات داشته‌اند. در دوره‌های مورد بررسی، مانند عمده دنیای آن روزگار شکل حکومت سلطنتی یا پادشاهی بوده است که گاه تفاوت‌هایی در جزئیات داشته است.

قرن پنجم و ششم هجری عصر افول غزنویان و اوج سلجوقیان در ایران است؛ پس از افول غزنویان، زمینه برای ظهور یک دولت جدید فراهم آمد که سلجوقیان از این فرصت نهایت استفاده را بردند؛ آنها که در ابتدا ساختار منسجمی نداشتند ضمن توجه به تجارب ایرانیان و با معاضدت وزرای بزرگ ایرانی، به توسعه تواناییهای درونی و اصلاح سازمان سلطنت خود پرداختند به گونه‌ای که امپراطوری قدرتمندی تشکیل و تانیمی از جهان آن روز را تحت سلطه ایران قرار دادند. به عبارتی می‌توان گفت دوره غزنویان و سلجوقیان به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ ایرانی محسوب می‌شود؛ در این دوره، نظام اداری و سیاسی ایران با بهره‌گیری از تجارب ایرانی و نگاه به آموزه‌های اسلامی ضمن خروج از سایه خلافت‌های عربی، سعی در ایجاد سازوکار سیاسی و حکومت‌های مستقل در سرزمین پهناور ایران داشت.

کتاب کلیله و دمنه نیز که مبنای این پژوهش است اثری منحصر بفرد است؛ هر چند شیوه بیان مطالب در این کتاب شاید به سبک امروز نیست اما با نثری مصنوع در لابه لای داستان‌ها از زبان حیوانات، روش اداره مملکت را آموزش و سیمای حکومتداری را نشان

می‌دهد. از سوی دیگر کلیه و دمنه اگرچه اصالتاً یک اثر غیرایرانی است اما به دلیل تدوین اولیه آن توسط برزویه طبیب و سپس ترجمه ماهرانه آن توسط نصرالله منشی با مفاهیم و دانش ایرانی آمیخته است و بجز آن می‌توان گفت کتابی که امروز به نام کلیله و دمنه در دست داریم (و حتی ترجمه عربی آن) یک اثر کاملاً ایرانی است. شخصیت‌های این کتاب اگرچه همگی حیوان هستند اما خصلتهای انسانی دارند: «دمنه برفت و بر شیر سلام گفت. از نزدیکان خود پرسید که این کیست؟ جواب دادند که فلان پسر فلان؛ گفت: آری پدرش را شناختم» (۳) و «گفت: پس آن جانوران که چندین سال به گوشت ایشان غذا می‌یافتی مادر و پدر نداشتند و عزیزان ایشان را سوز مفارقت در قلق و جزع نیاورد؟» در مجموع جنگلی که کلیله و دمنه روایت می‌کند تصویری کامل از یک جامعه انسانی با ارکان حکومتی مرسوم (سلطان، وزیر، مشاور، ملازم و مردم) است. از این‌رو، زبان در این مکتوب، نمادین و مجموعه‌ای از دانش و حکمت و حاصل تجربه اندیشمندان ایرانی از اعصار و قرون متمادی است. بنابراین می‌توان گفت این کتاب فارغ از ماهیت ادبی آن، یک اثر اجتماعی-سیاسی است.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات و پژوهش مستقلی با موضوع تحقیق یا مشابه آن، چه از حیث محتوا و یا از حیث الفاظ و عناوین صورت نگرفته است؛ اما منابعی که مستقیم یا غیرمستقیم به بخشی از موضوع این تحقیق پرداخته و یا مرتبط باشد، یافت شد که بهره‌گیری از آن‌ها راهگشای محقق در پژوهش حاضر بوده است.

۱. برون «تاریخ ادبیات ایران از فردوسی تا سعدی» نیمه دوم از مجلد دوم تاریخ ادبی ایران است که به زبان انگلیسی و برای اولین بار در سال‌های ۱۹۰۲-۱۹۲۴م. و پس از چاپهای متعدد در سال ۱۳۸۶ غلامحسین صدری افشار ترجمه و منتشر کرده است (۴).

۲. برتلس «تاریخ ادبیات ایران از فردوسی تا عهد سلجوقیان» ترجمه سیروس ایزدی (۵).

۳. صفا جامع‌ترین منبع در مورد تاریخ ادبیات ایران و دارای پنج جلد است و با آنکه ظرف مدت بیشتر از چهار سال نوشته شده؛ ولی از طرحی تقریباً یکسان برخوردار است. کتاب در ۵ جلد و با ۵۹۰۷ صفحه، چندین بار به صورت دوره‌ای و چندین بار در مجلدات جداگانه چاپ شده است (۶).

۴. کلاسیر «دیوانسالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)» ترجمه یعقوب آژند، درباره وضعیت امور اداری و حاکمیتی سلجوقیان و حاوی اطلاعاتی است درباره ساختار حکومت به طور اعم و نهاد وزارت به طور اخص در سرزمین‌های مرکزی امپراتوری سلجوقی.

۵. وحیدا «جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی» مؤلف این کتاب اعتقاد دارد از محتوای آثار ادبی هر دوره می‌توان به گوشه‌ای قابل ملاحظه از شرایط حاکم آن دوره پی برد (۷).

۳. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
برخلاف آنچه تصور می‌شود علوم مستقلی نظیر علوم سیاسی و به طور مشخص مبحث "حکومتداری" اگرچه در کتاب‌های علمی

۴. تعاریف:

۴/۱. کتاب (کلیله و دمنه)

اصل کتاب "کلیله و دمنه" هندی و به زبان سانسکریت است و "پنچانتترا" یعنی پنج کتاب یا پنج پند نام داشته است. در زمان ساسانیان خبر این کتاب به انوشیروان می‌رسد و او برزویه طبیب را مامور یافتن آن می‌کند. برزویه طبیب به صورت ناشناس به هند رفت و پس از جستجوی بسیار نسخه‌ای از آن را که به زعم نصرالله منشی در خزائن ملوک هند بوده است می‌یابد و به پهلوی ترجمه می‌نماید. از ترجمه او در سال ۵۷۰ میلادی کتابی با نام کلیلگ و دمنگ به زبان سریایی برگردانده شد. در قرن هشتم میلادی، ابن مقفع آن را به عربی ترجمه کرد و این ترجمه منشاء تمام ترجمه‌های ایرانی، اروپایی و... شد. اما نسخه‌ای که امروزه همه آن را به نام کتاب کلیله و دمنه می‌شناسیم ترجمه آزادی است که در حدود سال ۵۳۹ هجری قمری ابوالمعالی نصرالله بن عبدالحمید منشی آن را از عربی به فارسی برگرداند.

"کلیله" و "دمنه" که نام کتاب از نام ایشان گرفته شده است دو روایه و محور اصلی کتاب و روایان داستانهایی اصلی و فرعی کتاب‌اند. ترجمه نصرالله منشی از این کتاب آنچنان شیوا و مهیج بود که کتاب او را به یکی از پرخواننده‌ترین و پرتقلیدترین کتابهای ادبیات فارسی تبدیل کرد. «این ترجمه را با ترجمه‌های دیگر فرق است: نصرالله منشی مفید متابعت از اصل نبوده و ترجمه و نگارش آزاد ساخته و

همنشین ادیبان و عالمان بود هم برای حاکمان وقت، وزارت و سیاست می‌کرد. بر این اساس او از ادبیات فارسی به عنوان محملی برای انتقال تجربیات حکومتی خود (و نیز اندرزهای سیاسی) بهره گرفت و چنین شد که کلیه‌ودمنه او رنگ و بویی سیاسی و حاکمیتی تر نسبت به یک اثر داستانی و ادبی دارد اما لطافت و همان اثر داستانی و ادبی را حفظ کرده است. نصرالله منشی البته همچون بسیاری از ملازمان سلاطین عاقبتی خوش نیافت و با سعایت بدخواهان به زندان افتاد و سرانجام در حبس به قتل رسید و خود آینه بخشی از کتاب کلیه‌ودمنه شد که: «و هرکه بُنلاد خدمت سلطان [اگرچه] به نصیحت و امانت و عفت و دیانت موگد گرداند و اطراف آن را از ریا و سمعه و ریب و خیانت مصون و منزه دارد کار او را استقامتی صورت نبندد و مدّت عمل او را دوامی و ثباتی ممکن نگرده؛ هم دوستان سیر معادات و مناقشت در روی کشند و هم دشمنان از جان او نشانه تیر بلا سازند: دوستان از روی حسد در منزلت، مخاصمت اندیشند، و دشمنان از جهت یکدلی و مناصحت مناقشت کنند، و هرگاه که مطابقت دوستان و دشمنان به هم پیوست و اجماع بر عداوت او منعقد گشت البته ایمن نتواند زیست، و اگرچه پای بر فرق کیوان نهاده است جان به سلامت نبرد.»

۴/۳. ساختار حکومت در کلیله و دمنه

۴/۳/۱. نوع حکومت:

در کلیله و دمنه نیز چون اعصار تاریخی، حکومت سلطنتی از نوع مطلقه است. اگرچه در این کتاب پادشاه با آنچه بعضاً در تاریخ می‌بینم متفاوت است و بیشتر سلطانی می‌بینیم که اهل مشورت و گوش دادن به سخنان دیگران است. در کلیله و دمنه تشکیل حکومت و استمرار آن به دو گونه است:

الف) به شیوه موروثی

در کلیله، همچون ایران باستان از «موروثی بودن حکومت» سخن به میان آمده است؛ اصولاً سلطنت در ایران مانند ادوار تاریخی همه ملتها، ابتدا با زور، ایجاد و سپس به صورت موروثی ادامه یافته است تا آن که بر همین منوال تحویل سلسله‌ای دیگر شده است. «[پادشاه] اقبال بر نزدیکان خود فرماید که در خدمت او منازل موروث دارند و به وسایل مقبول متحرم باشند، چون شاخ رز که بر درخت نیکوتر و بارورتر نرود و بدان چه نزدیک‌تر باشد درآویزد.» (منشی، ۱۳۸۸: ۶۵)

ب) به شیوه رای گیری

رای گیری در جوامع قدیم (به معنای اجماع نظرات) بیسابقه نیست. در بسیاری از حکایات تاریخی این نوع انتخاب به چشم می‌خورد. در کلیه‌ودمنه نیز در باب انتخاب امیر از طریق اجماع نظرات آمده است: «جماعتی مرغان فراهم آمدند و اتفاقی کردند بر آنکه بوم را بر خویشان امیر گردانند. در این محاورت، خوضی داشتند.» (همان: ۲۰۱). این اجماع بر انتخاب رئیس در یک امر مقطعی و برای هدفی مشخص نیز سابقه دارد آنجا که در داستان مطوقه، کبوتران بر مهتری او اجماع می‌کنند تا آنها را از بند برهاند.

۴/۳/۲. سلطان

پرداخته و آن را بهانه و وسیله ای کرده است از برای انشای کتابی به فارسی که معرف هنر و قدرت او در نوشتن باشد. و انصافاً نثر فارسی را به ذروه‌اعلی رسانیده است و کمال قدرت آن را در بیان مطالب و حد توانائی خویش را نیز در نویسندگی، در این کتاب به منصفه ظهور نشانیده.» (۳)

شیوایی و روایی این کتاب بحدی است که تا امروز گذشته از گلستان هیچ کتابی از لحاظ شهرت و محبوبیت به کلیله و دمنه نرسیده و این کتاب از نظر شهرت و رواج بی شبهه دومین کتاب نثر فارسی است. ملک الشعراء بهار نیز در توصیف این کتاب می‌نویسد: «هیچ کتابی را سراغ نداریم که مانند این کتاب مستطاب در طول قرون و در نزد ملل مختلف تا این اندازه دوام آورده، مونس ملوک و انیس عامه و سر مشق اخلاق و روش های زندگی قرار گرفته باشد.» (۸) نصرالله منشی خود در پایان کتاب نیز جاودانگی کتابش را چنین پیش‌بینی می‌کند: «تا زبان پارسی میان مردمان متداول است به هیچ تاویل مهجور نگردد، و به تقلب احوال و تجدد حوادث دران نقصانی و تفاوتی صورت نبندد، چه در اصل وضع کان حکمت و گنج حصافت است، و بدین لباس زیبا که بنده در آن پوشانید جمالی گرفت که عالمیان را به خود مفتون گرداند و در مدتی اندک اقالیم روی زمین بگیرد.»

در مجموع کلیله و دمنه علاوه بر آن که یک کتاب داستانی و ادبی کامل است کتابی آموزنده در باب سیاست و حکومتداری است که گاه سیاستمداران نیز از آن که رقیبانشان آن را بخوانند و بیاموزند هراس داشته‌اند: «خسرو به دایه‌های خود بندویه و بسطام گفت: هرگز از بهرام آن قدر نمی‌ترسیدم که اکنون خبردار شدم که همواره کتاب کلیه‌ودمنه را می‌خواند و آن کتاب برای مرد اندیشه‌ای فراتر از او و دوراندیشی بسیار فراهم می‌سازد که در آن آداب و زیرکی بسیار نهفته است» (۹). بهترین تصحیح و طبع این کتاب به کوشش استاد مجتبی مینوی فراهم آمده است که این تصحیح بارها توسط ناشران مختلف و در سالهای متمادی منتشر شده و مبنای این پژوهش است.

۴/۲. نویسنده (نصرالله منشی)

نویسنده این کتاب ارزشمند، ابوالعالی نصرالله منشی شیرازی فرزند محمد بن عبدالحمید در عهد غزنوی می‌زیست. نیاکانش از مردم شیراز بودند و او در غزنه زاده شد. از آغاز جوانی به کارهای دیوانی روی آورد و در دربار شاهان غزنوی سمت دبیری یافت. او مردی صاحب فضل و اهل ادب بود و در خانه خود محفلی ادبی داشت که محل همنشینی و دورهمی ادیبان روزگارش بود، در یکی از این مجالس با نسخه‌ای از کلیله و دمنه به زبان عربی و ترجمه این مققع آشنا شد. آن را به بهرام شاه غزنوی ارائه کرد و تشویق او را برای ترجمه آن کتاب دریافت کرد به همین سبب ترجمه او به کلیله و دمنه بهرامشاهی نیز شهرت دارد. نصرالله منشی که در شعر نیز دستی داشت ترجمه‌ای آزاد فراهم آورد و کتاب را با انواع داستانها و اشعار و مثلها و روایات زینت داد. نصرالله منشی هم آشنایی کامل بر ادب و زان فارسی داشت هم دستی بر آتش حکمرانی و سیاست. او هم

^۱ پایه و اساس

این گرایش اساسی فرمانروایی ایرانی‌شهری به شمار می‌آید» (۱۰). کلیله و دمنه نیز هم سربلندی ملک را به وزیر کاردان وابسته می‌داند: «رای ملوک به مشاورت و وزیران ناصح زیادت نور گیرد، چنانکه آب دریا را به ممد جویها مادت حاصل آید.» و هرکه زمام مهمات بوزیر ناصح سپارد هرگز دست ناکامی به دامن اقبال او نرسد و پای حوادث ساحت سعادت او نسپرد» بر این اساس است که کلیله و دمنه یکی از مهمترین اسباب سربلندی و توفیق حکومت را "وزیر خوب" می‌داند: «چون پادشاه اسرار خویش را بر این نسق عزیز و مستور داشت و وزیر کافی گزید و در دلها عوام مهیب بود... سزاوار باشد که ملک او پایدار باشد و دست حوادث مواهب زمانه از وی نتواند ربود، و در خدمت او گردد» ناگفته پیداست در قرن ۵ و ۶ هجری که مصادف با حکومت‌های غزنویان و سلجوقیان بود وزیران برجسته ایرانی همچون خواجه نظام‌الملک و نصرالله منشی (که خود چندی سمت وزارت در دستگاه حاکمه را داشتند) نقش بزرگی در ایجاد و اداره حکومت‌های دیوانسالارانه ایرانی در سرزمین پهناور آن روز داشتند و این نقش در کلیله و دمنه مشهود است.

۴/۳/۴. ملازمان

بخش اصلی حکومتداری در کلیله و دمنه، ملازمان و اطرافیان سلطان است که ساختار سیاسی و حکومتی آن را ایجاد می‌نمایند و البته شکل دهنده سمت و سوی حاکمیت نیز هستند به گونه‌ای که گاه خلق و خوی ایشان، بر حکومت سایه می‌اندازد؛ سایه‌ای که گاه شوم و اندک زمانی آرامبخش است. این ملازمان مشاغل گوناگون از دبیر و منشی و سفیر و خدمتکاران و منشیان (جاسوسان) و لشکریان را تصدی می‌نمایند و ناگفته پیداست که وجود ملازمان سالم شرط سلامت حکومت است؛ این امر در کلیله و دمنه مورد تأکید قرار گرفته است: «حاجت ملوک به کافیان ناصح که استحقاق محرمیت اسرار و استقلال تمشیت اعمال دارند همه مقرر است.» از این منظر، کلیله و دمنه حاکم را به خودداری از اجتماع ملازمان ناکارآمد در اطراف حکومت خود می‌نماید: «انبوهی یاران که دوربین و کاردان نباشند عین مضرت است و نفاذ کار با اهل بصیرت و فهم تواند بود نه به انبوهی انصار و اعوان» ملازمان یعنی نزدیکان سلطان و لازمه این امر حضور کامل و دائم در دربار و در خدمت اهداف و برنامه‌های سلطنت است. اما نزدیکی به دستگاه سلطنت و قرارگرفتن در جکع ملازمان، همیشه محل بحث بوده و عده‌ای آن را لازم و باعث خوشی روزگار و عده‌ای برعکس، آن را مذموم و باعث خسران و شر می‌شمرند. کلیله و دمنه نیز به عنوان یک مکتوب سیاسی به این بحث نظر داشته است؛ ابتدای کتاب با گفتگوی جالب شخصیت‌های اصلی کتاب (کلیله و دمنه) در مورد نحوه ورود به جمع ملازمان سلطان (شیر) همراه است. کلیله مخالف و دمنه به دنبال ورود به دربار است. کلیله ابتدا در خصوص نحوه ورود به جمع ملازمان سلطان و شرایط آن می‌پرسد که دمنه پاسخ می‌دهد؛ سپس سخن ایشان با ذکر منافع و مضرات ملازمت سلطان ادامه می‌یابد و داستان شروع می‌شود: «کلیله گفت: اگر رأی تو بر این کار مقرر است و عزیزت در امضای آن مصمم، باری نیک برحذر باید بود که بزرگ خطری است و حکما

کلیله و دمنه که آئینه سیاست ایرانی است شخص سلطان (پادشاه) را بالاترین عنصر حاکمیت و لازم‌الاطاعت می‌داند. کلیله و دمنه که آئینه سیاست ایرانی است شخص سلطان (پادشاه) را بالاترین عنصر حاکمیت و لازم‌الاطاعت می‌داند. سلطان که قدرت بلامنزاع است مهمترین عنصر جامعه سیاسی نیز به شمار می‌رود و همه قدرتها و تواناییها در خدمت اوست تا جایی که یا شخصیت خداگونه دارد یا با تسامح، جانشین و سایه خداوند روی زمین به شمار می‌رود. از این رو کلیله و دمنه نیز بر اساس اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری که تا حدودی تحت تأثیر عقاید خلیف گری اسلامی در بغداد نیز قرار دارد پادشاهی را موهبتی الهی می‌داند به نحوی که همگان را آن مقبولیت نیست که مرکب شاهی را در جولانگاه حکومت به تاخت و تاز در آورند. این مفهوم خدایی بودن پادشاه در ادبیات فارسی با تعبیر "فره ایزدی" به کرات مورد تأکید قرار گرفته است. کلیله و دمنه به مفهوم "فره ایزدی" از سه جنبه، توجه کرده است:

الف) فره ایزدی به صورت تابش نور: «ملکی که او را «ابن مدین» خواندندی، صاحب پسری شد که «انوار رشد و نجابت در ناصیه او تابان بود و شعاع اقبال و سعادت بر صفحات حال وی درفشان» (ب) فره ایزدی به صورت سجایای اخلاقی: «آثار طهارت عرق و شرف منصب در حرکات و سکنات وی ظاهر بود و علامات اقبال و امارات دولت در افعال و اخلاق وی واضح و استحقاق وی منزلت مملکت و رتبت سلطنت را معلوم».

ج) فره ایزدی به صورت ظل الله: در باب «بوف و زاغ» آن‌جا که زاغ، جماعت مرغان را به دلیل امیر گردانیدن بوم بر خویشتن مذمت می‌کند، آشکارا پادشاهان را «سایه آفریدگار» معرفی می‌کند.

بدیهی است این نوع نگاه به سلطان از آن‌جا نشأت می‌گیرد که نظام سیاسی تلاش می‌نماید با به هم آمیختن "مشروعیت" و "مقبولیت" در "قدرت"، زمینه متابعت تام و عام از سلطان را فراهم آورد و حاکمیت او را بی‌هیچ قیوی و شرطی، عالمگیر و فراگیر کند. «در اخبار می‌شنوی که السلطان ظل الله فی الارض، سلطان سایه هیبت خدای است بر روی زمین؛ یعنی که بزرگ و برگماشته خدای است بر خلق خویش. پس بایب دانستن کسی را که او پادشاهی داد، دوست باید داشتن و پادشاهان را متابع باید بودن».

با همه این اوصاف کلیله و دمنه اگرچه بر اساس عرف رایج یا اعتقاد نگارنده‌اش پادشاه را مطلق‌العنان و واجب‌الاطاعت می‌داند اما برای او وظیفی نیز قائل است که باید به اخلاق پسندیده متخلق و به تواناییهایی مجهز شود تا مملکت پایدار بماند و از انواع آفت حفظ شود که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

۴/۳/۳. وزیر

وزیر در حکومت‌های ایرانی چه دوران تاریخی و چه دوران اسلامی همیشه مهمترین رکن حکومت بوده است به گونه‌ای که سیاستمداران ایرانی، بزرگی و شوکت یک حکومت را نه از سلطان کخ از حضور یک وزیر کاردان می‌دانسته‌اند: «هر پادشاهی که او بزرگ شد و بر جهانیان فرمان یافت و تا قیامت نام او به نیکی می‌برند همه آن بودند که وزیران نیک داشتندی» (۱) «اساس فرمانروایی ایرانیان کاردانی و کارایی بود، و وزیر در واقع نماینده

همه جا از اصطلاح "رعیت" به جای "مردم" سخن رفته و وظایف حکومت در قبال آنها بارها گوشزد شده است. کلیله و دمنه نیز همچون سایر سیاست‌نامه‌ها بقاء و دوام حکومت را به رضایت رعیت از حاکمان می‌داند: «نیکوتر سیرتی و پسندیده‌تر طریقتی ملوک را، که هم نفس ایشان مهیب و مکرم گردد، و هم لشکر و رعیت خشنود و شاکر باشند و هم ملک و دولت ثابت و پای دار.» بنابراین خدمت به مردم به ذات خود اصالت ندارد بلکه چون اسباب یقاء حکومت است باید مورد توجه قرار گیرد. البته نصرالله منشی که در بازآفرینی کلیله و دمنه به روایات و احادیث اسلامی نظر داشته، از منظر دینی (رضای الهی) نیز خدمت به مردم را توصیه کرده است.

با این توضیحات، می‌توان ساختار و شکل کلی حکومت در دوره مورد بررسی را به شرح جدول زیر نشان داد:

گویند بر سه کار اقدام ننماید مگر نادان: صحبت سلطان، و چشیدن زهر بگمان و، سر گفتن با زنان. و علما پادشاه را به کوه بلند تشبیه کنند که در انواع ثمار و اصناف معادن باشد لکن مسکن شیر و مار و دیگر موزیات که بر رفتن در وی دشوار است و مقام کردن میان آن طایفه مخوف.

دمنه گفت: راست چنین است، لکن هر که از خطر بیرهیزد خطیر نگردد؛ و در سه کار خوض نتوان کرد مگر به رفعت همت و قوت طبع: عمل سلطان و بازار گانی دریا و مغالبت دشمن. و علما گویند مقام صاحب مروت به دو موضع ستوده است: در خدمت پادشاه کامران مکرم، یا در میان زهاد قانع محترم.

کلیله گفت: ایزد تعالی خیر و خیرت و صلاح و سلامت بدین عزیزت (هر چند من مخالف آن‌ام) مقرون گرداناد.

۴/۳/۵ رعیت

مردم رکن اصلی یک حکومت‌اند از این باب که اگر کسی برای حاکمیت بر او نباشد حکومت به کار نیاید! البته در کلیله و دمنه

جدول ۱. ساختار سیاست حاکم بازتاب یافته در کلیله و دمنه

نوع حکومت	نحوه انتقال قدرت	رویکرد حکومت	عمل حکومت	دین و مذهب غالب	آزادی بیان	اوضاع اداری
امپراتوری	- تشکیل حکومت با زور (قوه قاهره) و سپس ادامه شاهی به صورت موروثی	- نمایش صلح طلبانه همراه با رویکرد جهانگشایی	- ایرانی - ترکهای غزنوی	- اسلام - سنی - مبتنی بر پذیرش خلافت عربی	- لیبرالیستی - توجه به اقتناع افکار عمومی با تبلیغات رسمی	بوروکراسی مبتنی بر قدرت دربار

۵. بحث و بررسی
پیش از آن که وارد بحث و بررسی سیمای حکومتداری در سده‌های پنجم و ششم هجری قمری شویم ذکر نکته‌ای در خصوص ویژگیهای حاکم و حکومت از نگاه سیاستنامه ضروری است؛ در کلیله و دمنه همچون بسیاری از سیاستنامه‌ها، به دودسته ویژگیهای لازم برای حاکم و حکومت اشاره می‌نماید:
الف. ویژگیهای شخصی حاکم
در این زمینه کلیله و دمنه توصیه‌هایی دارد که بیشتر مبتنی بر سلوک شخصی و رفتارهای فردی است که حاکم (یا رهبر) باید در قبال زیردستان خود داشته باشد. این ویژگیها اگرچه با بهتر شدن رفتار حاکمیتی حاکم (به طور غیرمستقیم) به موفقیت نهایی حکومت منجر می‌شود لکن نگاه ساختاری به حکمرانی ندارد.
ب. ویژگیهای حاکمیتی ساختاری:
توصیه‌های کلیله و دمنه در این زمینه بیشتر ناظر به طراحی ساختار و هدایت و راهبری تشکیلات حکومتی است و نگاه مراقبتی و هدایتی به رفتار عوامل داخلی و مأمورین حکومت و نگاه اصلاح‌گرایانه به عملکرد حکومت در قبال مردم دارد. مشخص است که این توصیه‌ها مستقیماً به بهبود عملکرد حکومت و در نهایت هدف اصلی خواجه یعنی بقاء و دوام حکومت منجر می‌شود.

۵/۱ الف. ویژگیهای شخصی حاکم

۵/۱/۱ ح. حلم و شکیبایی

جان‌ها و مال‌ها در معرض ملاک و تفرقه‌اند.»
۵/۱/۲ خودداری از افتادن در دام اطرافیان فاسد و ریاکار
گاهی افراد با تظاهر به دینداری یا سوء استفاده از عقاید دینی و مذهبی اطرافیان خود سعی دارند به مقاصد خود برسند. حکایت «کبک انجیر و خرگوش و گربه زاهد» نمونه‌ای آشکار برای ریاکاری و استفاده ابزاری از آموزه‌های اخلاقی (و گاه دینی) است. حکایتی که در آن بین کبک انجیر و خرگوشی بر سر مسکن نزاع درمی‌گیرد و آن دو برای رفع مشکل خود به نزد گربه ای می‌روند که ظاهراً پرهیزگار است؛ گربه با دیدن آن دو

۵/۲. ویژگی‌های حاکمیتی_ساختاری:

۵/۲/۱. ترجیح منافع عام بر منافع شخصی

از نگاه کلیله و دمنه، حاکم (سلطان یا رهبر) باید ابتدا منافع عمومی را بر منافع خود ترجیح دهد؛ در داستان معروف طوقی (مطوقه) آنجا که کبوتران اسیر افتاده در دام صیاد با اشاره مطوقه، دام را یکجا به آسمان می‌برند و نزد موش می‌روند تا بندهای دام را بگسلند، موش ابتدا به شروع بریدن بند پای طوقی می‌کند. اما او مانع می‌شود و می‌گوید: «نخست از آن یاران گشای. موش بدین سخن التفات ننمود. گفت: ای دوست! ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی‌تر. گفت: این حدیث را مکرر می‌کنی؛ مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی‌باشد و آن را بر خود حق نمی‌شناسی؟ گفت: مرا بدین ملامت نباید کرد که من ریاست این کبوتران تکفل کرده‌ام و ایشان را از آن روی بر من حقی واجب شده است و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزارند و به معاونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بچستم، مرا نیز از عهده لوازم ریاست بیرون باید آمد و موجب سیادت را به ادا رسانید.»

۵/۲/۲. حفظ اسرار

یک حکومت برای آن که خود را از گزند دشمنان در امان بدارد باید اسرار خویش را صیانت کند تا امکان دستیابی دشمن به نقاط ضعف احتمالی و برنامه‌های عملیاتی و در نتیجه ایراد آسیب به حکومت فراهم نشود؛ در این بین اسرار نه فقط از دشمنان که از دوستان بریده نیز باید محافظت شود: «و گویند پادشاهان را در تحصین خزاین اسرار، احتیاط هرچه تمام‌تر فرض است، خاصه از دوستان نومید و دشمنان هراسان»

۵/۲/۳. نحوه رفتار با دشمن

در کلیله و دمنه در همه حالات جنگ و مبارزه با دشمن توصیه نشده است؛ روشهای رفتار با دشمن به فراخور حال و زمان بررسی و توصیه شده است:

۵/۲/۳/۱. مصلحت‌اندیشی در قهر و آشتی

هر چند دوری از دشمن، کاری عاقلانه است؛ اما گاهی شرایطی به وجود می‌آید که رهایی از رنج و گرفتاری به وسیله دشمن امکان پذیر می‌گردد. در باب «گره و موش» به این واقعیت پرداخته شده که بنا بر وضعیت پیش آمده برای موش، بهتر است که با دشمن خود (گره) دوستی کند و بدین وسیله خود را از دست دو دشمن - راسو و بوم - نجات دهد»

۵/۲/۳/۲. صلح و جنگ

در هنگام گرفتاری در بین چند دشمن، باید با در نظر گرفتن موقعیت و مصلحت، با یکی از دشمنان متحد شد و پس از غلبه بر دشمنان دیگر، جانب احتیاط با دشمن متحد شده را هم رها نکرد. در باب "موش و گره" موش که نماینده اشخاص مصلحت‌گرا و منفعت‌طلب است می‌گوید: «اما عاقبت اندیش التماس صلح و مقاربت دشمن را غنیمت پندارد؛ چون متضمن دفع مضرتی و جر منفعتی باشد»

۵/۲/۳/۳. حذر و احتیاط

در ارتباط با دوست و دشمن باید محتاطانه رفتار کرد. توصیه‌هایی در همین مورد را باز از زبان موش خطاب به

از دور، بر روی دو پا می‌ایستد و تظاهر به عبادت می‌کند. همین زاهدنمایی و تظاهر به دینداری سبب اعتماد کبک انجیر و خرگوش به گربه می‌شود و به او نزدیک تر می‌گردند. در همین حال، گربه خیز برمی‌دارد و آن دو را شکار می‌کند. درونمایه این داستان، احتیاط در برابر اطرافیان ریاکار است. همچنین کلیله و دمنه به سلطان تأکید می‌کند از افرادی که برای رسیدن به مقاصد خود، عذرهای اخلاقی می‌تراشند و مصلحت‌آفرینی می‌کنند دوری کند چراکه این قشر، شاید اول امر، منافی داشته باشد اما باعث سقوط ملک می‌شود؛ در حکایت «زاغ و گرگ و شغال و شیر و شتر» پس از مجروح شدن شیر و ناتوانی‌اش از شکار، زاغ و گرگ و شغال تصمیم می‌گیرند که شیر را بر کشتن شتر که او را امان داده بود، تحریر کنند تا بظاهر شیر اما خودشان از گرسنگی نجات یابند. شیر که به شتر امان داده است کشتن او را دور از وفا و مروّت می‌داند و می‌پرسد چگونه به کسی که او را امان داده، خیانت کند؟ اما اطرافیان فاسد با مصلحت‌آفرینی بظاهر اخلاقی شیر را مردّد می‌کنند: «حکما گویند که یک نفس را فدای اهل بیتی باید کرد و اهل بیتی را فدای قبیله‌ای و قبیله‌ای را فدای اهل شهری و اهل شهری را فدای ذات ملک اگر در خطری باشد» (۳). از سوی دیگر، پیش شتر می‌روند و او را تشجیع می‌کنند که خود را فدای سلطان نشان دهد: «اگر جان و نفس فدای ذات او [شیر] [نگردانیم، به کفران نعمت منسوب می‌شویم] و زمانی که شتر فقط کلامی در جانثاری بیان می‌کند آنها پیشدستانه او را می‌درند.

۵/۱/۳. عاقبت‌اندیشی

بی‌توجهی به عاقبت کارها و بی‌گدار به آب زدن، از آن دست آفتهای مدیریت است که یک نظام مستحکم را نیز متزلزل می‌نماید. بدیهی است عاقبت‌اندیشی بر دو پایه استوار است: برنامه‌ریزی درست، آینده‌نگری (از حیث انجام دادن یا ندادن کار). کلیله و دمنه، انجام امور بدون عاقبت‌اندیشی را مجاز نمی‌داند بلکه معتقد است: «عاقل باید که در فاتحت کارها نهایت اغراض خویش پیش چشم دارد و پیش از آنکه قدم در راه نهد، مقصد معین گرداند والا واسطه آن به حیرت و ندامت کشد و خاتمت به هلاک و ندامت» و «پادشاه موفق آن است که تأمل او از خواتم کارها قاصر نیاید و نظر بصیرت او به اواخر اعمال محیط گردد»

۵/۱/۴. اجتناب از غدر و بی‌قولی

برخلاف مکتوبات سیاسی غرب‌نوست، کلیله و دمنه که یک مکتوب سیاسی ایرانی_اسلامی_ شرقی است به رعایت اصول اخلاقی توسط حاکم و حاکمیت و ملازمان حکومت تأکید فراوان دارد. از جمله این اصول اخلاقی، خودداری از نیرنگ و خلاف قولهای داده شده عمل کردن است. «هیچ عیب ملوک را چون غدر و بی‌قولی نیست که ایشان سایه آفریدگارند عزّاسمه در زمین و عالم بی‌آفتاب عدل ایشان نور ندهد و احکام ایشان در دما و فروج و جان و مال رعایا نافذ باشد.» در داستان خیانت پیرمرد و پسرش در امانت مردمان که به زیرکی قاضی فاش می‌شود نیز تأکید می‌کند: «و این مثل بدان آوردم تا بدانی که عاقبت مکر، نامحمود و خاتمت غدر، نامحبوب است»

است، اما زاهد نمی‌نماید، که زاهدان با سگ بازی نکنند و دست و جامه خود را از آسیب او صیانت واجب بینند، از این نسق هر چیز می‌گفتند تا شکی در دل زاهد افتاد و خود را دران متهم گردانید و گفت که: شاید بود که فروشنده این جادو بوده ست و چشم بندی کرده. در جمله گوسپند را بگذاشت و برفت و آن جماعت بگرفتند و ببرد. نیز به معنای تدبیر و سیاست‌ورزی: «و آنچه به رای و حیلت توان کرد بزور و قوت دست ندهد و به تو نرسیده است که زاغی به حیلت مار را هلاک کرد؟ گفت: چگونه؟ گفت: آورده‌اند که زاغی در کوه بر بالای درختی خانه داشت، و در آن حوالی سوراخ ماری بود، هر گاه که زاغ بچه بیرون آوردی مار بخوردی. چون از حد بگذشت و زاغ درماند شکایت بر آن شگال که دوست وی بود بکرد و گفت: می‌اندیشم که خود را از بالای این ظالم جان شکر باز رهانم... شگال گفت: صواب آن می‌نماید که در اوج هوا پرواز کنی و در بامها و صحراها چشم می‌اندازی تا نظر بر پیرایه ای گشاده افگنی که ربودن آن میسر باشد؛ فرود آبی و آن را برداری و هموارتر می‌روی چنانکه از چشم مردمان غایب نگردی چون نزدیک مار رسی بر وی اندازی تا مردمان که در طلب پیرایه آمده باشند نخست تو را باز رهانند آن گاه پیرایه بردارند.»

۵/۲/۵. شایسته‌گزینی کارگزاران

هر نظام سیاسی برای گزینش کارگزاران و انتخاب صاحب منصبان رویه‌هایی دارد که این رویه‌ها هم سیمای حکمرانی آن را نشان می‌دهد هم سربلندی یا شکست آن را رقم می‌زند. کلیده‌ومنه که مکتوبی برای تعلیم روشهای خوب حکومتداری است بر به گزینی و شایسته‌سالاری در به کارگیری عمال حکومتی تاکید دارد: «در معنی اصطناع (گزینش) به خدمتکاران و ترجیح جوانب صواب در استخدام ایشان مقرر گردد که کدام طایفه قدر تربیت نیکوتر شناسند و شکر آن بسزاتر گزارند.» شایسته‌گزینی البته تمام مهارت یک حاکم برای اداره مملکت نیست بلکه قدم بعد آن است که پادشاه باید بداند فرد شایسته را در چه جایگاهی به کار گیرد؛ «و قوی‌تر رکنی در این معنی، شناختن موضع اصطناع و محل اصطفاست، چه پادشاه باید که صنایع خود را به انواع امتحان بر سنگ زند و عیار رای و رویت و اخلاص و مناصحت هر یک معلوم گرداند.» با این دیدگاه به ارزش شناخت توانایی‌ها و مهارت‌های رعیت و ملازمان سلطان توجه شده است: «ملک تا اتباع خویش را نیکو نشناسد و بر اندازه رای و رویت و اخلاص و مناصحت هر یک واقف نباشد، از خدمت ایشان انتفاعی نتواند گرفت و در اصطناع ایشان مثال نتواند داد.» از این روست که تأکید دارد کار را باید به کاردان سپرد و آن را با داستانی زیبا بیان می‌کند: «بوزنه ای درودگری را دید که بر چوبی نشسته بود و آن را می‌برید و دو میخ پیش او، هر گاه که یکی را بکوفتی دیگری که پیشتر کوفته بودی برآوردی. در این میان درودگر به حاجتی برخاست، بوزنه بر چوب نشست از آن جانب که بریده بود، انبیین او در شکاف چوب آویخته شد و آن میخ که در کار بود پیش از آن که دیگری بکوفتی برآورد. هر دو شق چوب به هم پیوست، انبیین او محکم در میان بماند، از هوش بشد. درودگر بازرسید وی را دست بردی سره بنمود تا دران هلاک شد. و از این جا گفته‌اند: «درودگری کار بوزنه

گر به می‌شنویم: «اما عاقل اگر در رنجی افتد که در خلاص از آن به اهتمام دشمن امید دارد و فرج از چنگال بلا بی‌عون او نتواند یافت، گرد تودد برآید و در اظهار مودت کوشد و باز اگر از دوستی خلاف بیند، تجنب نماید و عداوت ظاهر گرداند.» اما در این نزدیک شدن به دوست و بخصوص، دشمن باید از زیاده روی پرهیز نمود: «نزدیکی به دشمن آن قدر باید جست که حاجت خود بیایی و در آن غلو نشاید کرد که نفس تو خوار شود و دشمن را دلیری افزاید»

۵/۲/۳/۴. غافل نشدن از دشمن ضعیف

«دشمن ضعیف را خوار نشاید داشت که اگر از قوت و زور درماند، به حیلت و مکر فتنه انگیزد»

۵/۲/۳/۵. فریفته نشدن به سخنان تملق آمیز دشمن

«خردمند به سخن دشمن التفات ننماید و زرق و شعوه او را در ضمیر نگذارد»

۵/۲/۳/۶. عدم تأخیر در دفع دشمن

حکایت ماهی‌ای که خود را مرده ساخت و بدین وسیله خود را از دست صیاد نجات داد، در بیان همین مطلب است. آنگاه که ماهی خود را در خطر صید می‌بیند، با خود می‌گوید: «هرچند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد... با این همه، عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن تأخیر صواب ننماید»

۵/۲/۳/۷. پرهیز از جنگ در هنگام اوج قدرت

«خردمندان در حال قوت و استیلا و قدرت و استعلا از جنگ چون خرچنگ پس خزیده‌اند و از بیدار کردن فتنه و تعرض مخاطره تحرز و تجنب واجب دیده‌اند»

۵/۲/۳/۸. پرهیز از جنگ پس از شکست

«جنگ کردن خطر بزرگ است، خاصه پس از هزیمت، و هر که بی‌تأمل قدم در آن نهد، بر گذر سیل خوابگاه کرده باشد»

۵/۲/۳/۹. دوری از افراط و تفریط در دوستی و دشمنی

«نه تالف دشمن فروگذارد و طمع از دوستی او منقطع گرداند و نه بر هر دوستی اعتماد کلی جایز شمرد و بوفای او ثقت افزاید؛ واز مکر دهر و زهر چرخ در پریشان گردانیدن آن ایمن شود. واما عاقبت اندیش التماس صلح و مقاربت و دشمن را غنیمت پندارد چون متضمن دفع مضرتی و جر منفعتی باشد برای این اغراض که تقریر افتاد.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۸: ۲۶۷)

۵/۲/۴. مکر یا تدبیر

سیاست بدون تدبیر و بهره‌گیری از قدرت اندیشه، بی‌سرانجام است. کلیه‌ومنه نیز در داستانهای مختلف به این امر اشاره کرده است؛ باید توجه داشت که استمداد از اندیشه و تدبیر در این مکتوب به هر دو معنی مثبت (اندیشه‌ورزی و تدبیر) و منفی آن (حیله و مکر) به کار رفته است مانند داستان "زاهد و دزدان": «زاهدی از جهت قربان گوسپندی خرید. در راه طایفه ای طراران بدیدند، طمع در بستند و با یکدیگر قرار دادند که او را بفریبند و گوسپند بستانند، پس یک تن به پیش او درآمد و گفت: ای شیخ! این سگ کجا می‌بری؟ دیگری گفت: شیخ عزیزم شکار می‌دارد که سگ در دست گرفته است. سوم بدو پیوست و گفت: این مرد در کسوت اهل صلاح

۵/۲/۹. تشویق و تنبیه

«سوابق خدمتگاران، نیکو پیش چشم دارد و مساعی و مآثر ایشان بر صحیفه دل بنگارد و آن را ضایع و بی ثمرت نگرداند و اهمال جانب و توهین منزلت ایشان جایز نشمرد.»

۵/۲/۱۰. خبرگیری

تمام حکومتها باید ساختار خبرگیری کارآمدی برای دو هدف ایجاد نمایند: اول اطلاع از عملکرد عمال و کارگزاران حکومت به منظور پیشگیری از بروز فساد با ضدیت با حکومت؛ دوم اطلاع از تحریکات و برنامه‌های دشمن جهت صیانت از حکومت و جلوگیری از ایراد آسیب (درونی یا بیرونی) به ساختار حاکمیت. از این رو همه حکومتهای تاریخی ایران به ایجاد ساختار برای خبرگیری (به عنوان ابزار جاسوسی از احوال دشمنان و نظارت بر اعمال کارگزاران) تأکید و اقدام داشته و جاسوسانی را از کارآزموده‌ترین ملازمان سلطان انتخاب می‌کرده‌اند: «آن نیکوتر که جاسوسان فرستیم و منهیان متواتر گردانیم و تفحص حال دشمن به جای آریم و معلوم کنیم که [آیا] ایشان را به مصالحت میلی هست و به خراج از ما خشنود شوند و ملاطفت ما را به قبول استقبال نمایند» و یا «حالی مصالحت در آن است که دیدبانان نشانیم و از هرجانب که عورتی است خویشان نگاه داریم؛ اگر قصدی پیوندند ساخته و آماده پیش رویم.» (همان)

۵/۲/۱۱. عدالت

در کلیله و دمنه، پادشاه همه جا به «عدل» سفارش شده است چراکه رعیت زیر سایه عدل او می‌آرند؛ «آرامش عمومی در سایه نظام اجتماعی مرهون عدالت است و بدون آن امکان‌پذیر نخواهد بود. در هر زمان و مکان بی‌عدالتی و ظلم منفور خاص و عام بوده و مورد مؤاخذه قرار می‌گرفته است» (۱۱). در باب «بازجست کار دمنه»، دمنه خطاب به شیر می‌گوید: «و هر چند ملک را بنده‌ام، آخر مرا از عدل عالم آرای او نصیبی باید که محروم گردانیدن من از آن جایز نباشد و در حیات و پس از وفات امید من از منقطع نگردد» (۱۲). بر اساس اندیشه سیاسی حاکم بر کلیله و دمنه، عدل اساس پایداری ملک است و این عدالت نه فقط مختص سلطان، که باید همه عمال حکومت موصوف به صفت عدل و عامل به آن باشند: «پادشاه اگر چه به ذات خویش عادل و کم‌آزار باشد چون وزیر جائز و بدکرداری باشد منافع عدل و رأفت او از رعایا بریده گرداند» همچنین عدل در حکومت باید گستردگی و شمولیت داشته باشد و همگان را در بر گیرد: «بقای ملک و استقامت دولت بی حزم کامل و عدل شامل و رای راست و شمشیر تیز ممکن نباشد.»

۵/۲/۱۲. توأمان بودن دین و ملک در کلیله و دمنه

سیاست ایرانی در هیچ دوره‌ای از تاریخ خود از دین جدا نبوده است؛ توأمانی دین و سیاست، اندیشه‌ای است که در تمامی ادوار تاریخی ایران دیده می‌شود چه در دوره پیش از تاریخ و ابتدای شکل‌گیری حکومتهای ایرانی و چه در دوره تاریخی و ایحجاجد حکومتهایی نظیر هخامنشیان و ساسانیان و چه پس از آن در دوره اسلامی: «در ایران باستان، شهریار ایران زمین درحالی‌که چون مرکز پرگار و سررشته‌دار امور بود، از بن جان به اورمزد ایمان داشت و دین بهی

نیست» یک وجه دیگر به کارگیری عاملان حکومت توجه به سلیقه‌هاست به نحوی که شاید فردی کاردان باشد اما گر با طیب خاطر، شغلی را نپذیرد سپردن امور باجبار به او جز خسران نیست؛ در باب "شیر و شغال"، شیر، شغال را به پذیرش شغل وزارت و ادار می‌کند؛ هرچه شغال از پذیرش امتناع می‌کند شیر بدین امر اصرار دارد؛ شغال در جواب شیر می‌گوید: «چون کاری به جبر در گردن کسی کرده شود، او را ضبط آن میسر نگردد و از عهده لوازم مناصحت به واجبی بیرون نتواند آمد.»

۵/۲/۶. دوری از سیاهی‌لشگر در سیاست

سیاستمداران باید برای هر کار عده مناسبی از افراد شایسته را گردآورند و بیش از آن که نیرویی برای کاری لازم باشد تجمیع قوا نکنند. بدیهی است هم انتخاب مناسب نیروها و مدیران لازم است هم توجه به تعداد مناسب آنها؛ چرا که سیاهی‌لشگر جز آن که خود باعث آشفته‌گی کارها شود و گاه با حواشی بسیار، کار حکومت را به هم ریزد منفعتی ندارد. از این روست که کلیله و دمنه پادشاه را به این مهم توصیه می‌کند که: «انبوهی یاران که دورین و کاردان نباشند عین مضرت است، و نفاذ کار با اهل بصیرت و فهم تواند بود نه به انبوهی انصار و اعوان.»

۵/۲/۷. رعایت رشد سلسله مراتبی

آفتی که همه حکومتها به آن دچار بوده‌اند عدم رعایت ترتیب مناسب و درست برای ارتقاء کارگزاران بوده است. این آفت دو نتیجه منفی به دنبال دارد: اول؛ دلسردی و سرخوردگی عوامل و کارگزارانی که از ارتقا باز می‌مانند و دوم؛ ارتقای ناعادلانه افراد ناشایست. از همین روست که ترتیب درست برای ارتقای اداری افراد (بر اساس سلسله مراتب و تواناییهای آنها و خدماتشان) از جمله عوامل مهم در توفیق حکمرانی است. «از حقوق رعیت بر ملک آن است که هر یک را بر مقدار مروّت و یکدلی و نصیحت به درجه‌ای رساند و به هوا در مراتب تقدیم و تاخیر نفرماید و کسانی را که در کارها غافل و از هنرها عاطل باشند بر کافیان هنرمند و داهیان خردمند ترجیح و تفضیل روا ندارد.» البته در کلیله و دمنه نیز طبقات اجتماعی به همان معنای ایرانشهری (بخصوص آنچه در دوره ساسانیان می‌بینیم و مانعی برای رشد و بالاکشیدن افراد بوده) دیده می‌شود؛ در جایی، کلیله، دمنه را از خیال رفتن به آستان شیر (سلطان) به این علت که از طبقه اجتماعی بالا نیست برحذر می‌دارد: «به عقل خود رجوع کن و بدان که هرطایفه ای را منزلتی است و ما از آن طبقه نیستیم که این درجات را مرشح توانیم بود و در طلب آن قدم توانیم گزارد.»

۵/۲/۸. کار به اندازه سپردن

نظام اداری حاکم، باید ترتیبی اتخاذ نماید که ضمن شناخت تواناییهای هر فرد، به همان میزان و تناسب به او کار حواله نماید تا هم کار را بخوبی به سرانجام رساند و هم خود در انجام کارهای اضافه فرسوده و شرمسار نشود. بر این اساس کلیله و دمنه این امر را برای سلطان (رییس، رهبر) فرض واجب می‌داند: «و در جمله بر پادشاه تعریف حال خدمتگزاران و شناخت اندازه کفایت هر یک فرض است، تا بر بدیهه بر کسی اعتماد فرموده نشود، که موجب حسرت و ندامت گردد.»

پسندیده متحلی گردند.» ناگفته پیداست در مشورت گرفتن نیز باید صلاحیت و صداقت طرف مشورت را در نظر گرفت: «ملک را این یاد می باید داشت که همه براهمه او را دوست ندارند، و اگر چه در علم خوضی پیوسته اند بدان دالت هرگز سزاوار امانت نگردند و شایان تدبیر و مشورت نشوند.» (۱۷) «باید که پادشاه ناهلان را محرم اسرار ندارد و تا خردمندی آزموده نباشد در مهمی با او مشورت نفرماید، و از مجالست بی باک و بدگوهر براهلان پرهیز کردن فرض شناسد.» و البته مشورت باید با همه افراد ذیصلاح باشد نه یک فرد و تفکر خاص. در باب "بوم و غراب" پادشاه زاغان، نه یک مشاور که همه مشاوران خود را فرامی خواند و نظر تک تک آنها را می شنود تا تصمیم درست را بگیرد؛ به عبارت دیگر پادشاه (رهبر-رییس) باید نظرات دیگران را بشنود اما تصمیم نهایی را (با تکیه بر نظرات درست) خود بگیرد.

۵/۲/۱۴. اصول حاکم بر روابط بین الملل (که هر حکمران باید رعایت کند)

۵/۲/۱۴/۱. دوری از جنگ

«و چهار چیز است که اندک آن را بسیار باید شمرد: آتش و بیماری و دشمن و وام. و این کار به اصالت رأی و فر دولت و سعادت ذات ملک نظام گرفت.» «خردمندتر خلق آن است که از جنگ پرهیزد، چون از آن مستغنی گردد و ضرورت نباشد که در جنگ نفقه و مؤونت از نفس و جان باشد در دیگر کارها از مال و متاع.» (۱۸) و «خردمند در جنگ شتاب و مسابقت و پیش دستی و مبادرت روا ندارد، و مباشرت خطرهای بزرگ اختیار صواب نبیند و تا ممکن گردد اصحاب رای به مدارا و ملاطفت گرد خصم درآیند، و دفع مناقشت به مجاملت اولی تر شناسند.»

۵/۲/۱۴/۲. رعایت جوانب احتیاط

«قال النبی (ع): دوست خود را به نرمی و میانه روی دوست بدار چه ممکن است روزی دشمن تو گردد و دشمن خود را به نرمی و میانه روی دشمن بدار شاید روزی دوست تو گردد.»

۵/۲/۱۴/۳. صلح طلبی

«چون به صلح میل کردند تو نیز میل کن به سوی آن.»

۶. نتیجه گیری

۶/۱. بررسی کلیله و دمنه (همچون سایر آثار ادبی-سیاسی ایرانی) نشان می دهد علوم سیاسی که امروزه علم مستقلی شناخته می شود در گذشته ایران اسلامی سابقه فاخر دارد اما به دلیل بهره گیری دانشمندان و سیاستمداران و حکام ایرانی از ظرفیت بالای ادبیات فارسی برای انتقال مفاهیم سیاسی و حکمرانی، و به سبب جذابیت ادبیات فارسی، آنچه در کتب سیاسی نظیر کلیله و دمنه بیشتر به چشم آمده و در افکار عمومی به یادگار مانده، ادبیات بوده است تا علوم دیگر؛ از این رو لازم است جامعه دانشگاهی با توجه بیشتر به علوم میان رشته ای اقدام به واکاوی و استخراج مفاهیم نوپدید از میان آثار به جا مانده تاریخی ایران- بخصوص آثار ادبی- نماید.

۶/۲. نصرالله منشی همچون بسیاری از سیاستمداران زمان خود، نمونه کامل یک دانشمند است که در امور اجرایی و حکومتداری دست کامل بر آتش دارد و این نشان می دهد باید پیوند عمیقتر میان

را بزرگ و گرامی می داشت.» (۱۳). شدت یا فراگیری این اندیشه در همه دوره ها یکسان نبوده؛ گاه کم رنگ شده به نحوی که گمان می رفته حکومت در تلاش برای دوری از دین است و گاه بسیار پررنگ و مبنای جهت دهی سیاستهای کلی حکومت و انتخاب کارگزاران بوده است. با این حال دین همیشه به عنوان یک رکن اخلاقی در تمام حکومتهای ایرانی مدنظر و مورد احترام بوده و حتی حکومتهایی که که خود را دینی و دین را مبنای حکمرانی خود نمی دانسته اند نیز از اندرزه های دینی برای بهبود عملکرد یا ترسیم چهره ای انسانی از خود بهره می برده اند.

کلیله و دمنه نیز که یک مکتوب سیاسی برگرفته از اندیشه های ایرانی و وام گرفته از اصول شریعت اسلامی است اندیشه توأمانی دین و ملک (به عنوان یکی از اساسی ترین مفردات اندیشه سیاسی) را مدنظر قرار داده است: «تنفیذ شرایع دین و اظهار شاعیر حق بی سیاست ملوک دیدار بر روی روزگار مخلصد نماند» (۱۴) در جهان بینی سیاسی نصرالله منشی، «دیانت»، عنصر مهم در اعتماد عمومی برشمرده می شود تا آنجا که وقتی سلطان را از نزدیک شدن به هشت گروه برحذر می دارد یک گروه از ایشان کسانی اند که «بنای کارهای خود بر عداوت نهند و نه بر راستی و دیانت» (۱۵) و تأکید می نماید: «تقت خردمندان به چهار کس مستحکم نگرده: ماری آشفته، و ددی گرسنه، و پادشاهی بی رحمت، و حاکمی بی دیانت.» علاوه بر این بارها دیانت و دین ورزی را جزء شاخصه های مهم برای انتخاب کارگزاران ذکر کرده است؛ حتی برای اعزام سفیر (و پیام بر) دیانت او را تأکید می کند: «در سداد و امانت و راستی و دیانت تو شبهتی نتواند بود و ما گفتار تو را مصدق می داریم.»

۵/۲/۱۳. مشورت

هم در اندیشه های ایرانی شهری و هم در اغلب قریب باتفاق حکومتهای سلطنتی، پادشاه دارای قدرت مطلق بوده و همیشه می توانسته بتنهایی تصمیم آخر را بگیرد. با این حال بسیاری از پادشاهان عاقبت اندیش، می دانسته اند برای نافذ کردن تصمیمات خود از یک سو و اتخاذ تصمیمهای درست و نهایتاً بقای ملک خویش نیازمند مشورت و استفاده از خرد جمعی اند؛ از این رو در اندیشه سیاسی ایرانی، همیشه مشاوران از ارکان حکومت محسوب می شده و جایگاه ویژه داشته اند: «چاره نیست ملوک را از مستشار معتمد و گنجور امین که خزانه اسرار پیش وی بگشایند و گنج رازها به امانت و مناصحت وی سپارند و ازو در امضای عزایم معونت طلبند، که رجحان دارد به اشارت او فواید بیند، چنانکه نور چراغ به مادت روغن و فروغ آتش به مدد هیزم» (۱۶) «هر که از شعاع عقل غریزی بهره مند شد و استماع سخن ناصحان را شعاع ساخت، اقبال او چون سایه چاه پایدار باشد، نه چون نور ماه در محاق و زوال.» «امضای عزیمت پیش از مشورت از اخلاق مقلان خردمند دور افتد.» البته بعد آموزش روشهای درست حکومتداری نیز در ذات مشورت مورد توجه کلیله و دمنه است: «و ایزد تعالی که پیغامبر را علیه السلام مشاورت فرمود نه برای آن بود تا رای او را که به امداد الهام ایزدی و فیض الهی موید بود و تواتر وحی و اختلاف روح الامین علیه السلام بدان مقرون، مددی حاصل آید، لکن این حکم برای بیان منافع و تقریر فواید مشورت نازل گشت تا عالمیان بدین خصلت

of Humanities, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

3. Nasrullah Munshi, Abu al-Ma'ali; (1388); *Kalila wa Dimna*; Corrected by Minavi, Mojtaba; Tehran: Third

4. Brown Edward, (1367); *History of Iranian literature from Ferdowsi to Saadi*; Translated by Fathullah Mojtaba'i and the slave of Hussein Sadri Afshar; volume 1; Tehran: Pearl

5. Bertels, Eugene Eduardovich (1375); *History of Iranian literature from Ferdowsi to Saadi*; First Edition; Tehran: Helmand Publications

6. Safa Z (1999) *History of Literature in Iran*; Volume II; Tehran: Ferdows

7. Vahida, Fereydoun (1394); *Sociology in Persian literature*; second edition; Tehran: Samat Publishing

8. Azghandi Alireza; (2007) *Pand Niakan, Journal of Political and International Approaches*; Fall, pp. 11 pp. 85 to 115

9. Dinuri, Abu Hanifa Ahmad Ibn Daud, 1992, *Akhbar al-Tawwal*, translated by Mahdavi Damghani, Mahmoud, Tehran: Nashr-e Ney

10. Tabatabai, Seyed Javad, 2003; *Decline of political thought in Iran*; Tehran: Desert

11. Farzaneh, Akram; (1391); *Power and its components in kidney and kidney*; Thesis for receiving a master's degree; Department of Persian Language and Literature; Faculty of Literature and Humanities; Islamic Azad University Tehran Branch

12. Azad Armaki, Taghi (1391). *Political legitimacy and power structure in Seljuk rule*; Great Islamic Encyclopedia Center; forth year; Fall and winter 2012

13. Zahiri Nav, Bijan; Played by Moghadam, Amin; Mamizadeh, Maryam; (1389); *The course and continuity of Iranshahr political ideas in Kelileh and Demneh*; Journal of Textology of Persian

جامعه علمی و جامعه حکومتی برای بهره‌گیری متقابل این دو ایجاد شود.

۶/۳. کلیله و دمنه نمونه خوبی برای استفاده از ظرفیت داستان و ادبیات تمثیلی (که شواهد زیادی در ادبیات ما دارد) برای انتقال مفاهیم اجتماعی و دانش سیاسی است؛ این کتاب همچنین وظایف حکومت و آداب حاکمان را بخوبی روشن می‌کند و بررسی کاملتر آن می‌تواند الگوهای کاربردی در نحوه حکومتداری مبتنی بر اندیشه ایرانی_اسلامی تبیین و به جامعه سیاسی و مدیریتی امروز کشور ارائه نماید.

۶/۴. زبان در کلیله و دمنه نمادین است و به تبع آن مفهوم کتاب نیز در مرز یا قبیله و قوم نمی‌گنجد بنابراین ظرفیت بالایی برای ساخت آثار داستانی و نمایشی و سینمایی از آن و معرفی به زبانهای دیگر دارد. برای این امر باید همت و بودجه مناسبی تدارک دیده شود پس از آنکه این اثر توسط سایر کشورها مصادره شود.

۶/۵. در کلیله و دمنه، حکومت اگرچه سلطنتی مطلقه است اما حاکم مطلق العنان نیست. او باید متصف به اخلاق و متعهد به حقوق رعیت باشد؛ این امر سیمای کلی حکومت در قرون پنجم و ششم ه.ق و سلسله‌های غزنوی و سلجوقی است که اگرچه در ذات اصلی با حکومت‌های مطلقه سلطنتی تفاوت نداشتند اما در ظاهر تلاش می‌کردند چهره‌ای دموکراتیک از خود نشان دهند.

۶/۶. شکیبایی (بردباری) و عدالت، شاه‌بیت سفارشهای کلیله و دمنه به حاکمان و کارگزاران حکومتی است که این روزها نیز همچنان بایسته اول برای هر حاکم و یاستمدار محسوب می‌شود.

۶/۷. به تأسی از فضای گفتمانی سیاست ایرانی در دوره مرد بررسی، محور اصلی «حاکم» است. البته در این کتاب ملازمان سلطان، نقش پررنگتری نسبت به سایر آثار ایرانی همدوره خود دارند اما این نقش پررنگ برای تحکیم و حفظ جایگاه سلطان و حفظ حکومت است. در برخی مقاطع، منفعت‌طلبی به سود سلطان آنچنان است که سیاست بر اخلاق رجحان می‌یابد و حتی خون بی‌گناهان نیز برای حفظ سلطان مباح می‌شود (حکایت شیر و شتر).

۶/۸. کلیله و دمنه تلاشی برای انجام یک وظیفه اجتماعی توسط «ادبیات» است؛ این اثر با زبان نمادین، تحولات سیاسی را نمایان می‌کند و هم به مردم، درس آزادیخواهی و هم به قدرتمندان، درس آزادگی می‌دهد و رسالت اخلاقی، اجتماعی و سیاسی ادبیات را بخوبی به سرانجام می‌رساند.

References

The Holy Quran.

1. Nizam-ol-Molk, Abu Ali Hassan Ibn Ali, (1347) *Sir al-Muluk (Policy Letter)*, edited by Hubert Dark, second edition, Tehran: Book Translation and Publishing Company
2. Fathi, Mehdi, (1390); *Citizenship culture in Persian literature*; Master Thesis, Department of Persian Literature, Faculty

Literature; Second year No. 3, pp. 77-96, University of Isfahan

14. Afshar, Maryam (2013); Ethical criteria of rulers and princes in Qaboos and policies based on Plato's Republic; Master Thesis; Islamic Azad University, Central Tehran Branch

15. Iqbal Ashtiani, Abbas (1352); "Kalila wa Dimna"; Iranian culture; No. 19; Pp. 19-48

16. Black, Anthony (5); History of Islamic political thought: from the time of the Prophet to today; Translated by Mohammad Hussein Waqar; Tehran: Information Publications

17. Halabi, Ali Asghar (2009); History of political ideas in Iran and the Islamic world; Tehran: Behbahani

18. Chupanian, Javad; (1389); Better understanding of the physician's theory based on the kidneys; Journal of Historical Research; Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Volume 6, Number 1, pp. 33-52